

شرق روزنامه

گفت وگو

سرنوشت منبع آگاه در ميثاق اخلاق حرفه‌ای

ميثاق اخلاق حرفه‌ای رسانه در اول اردیبهشت‌ماه اسمال رونمايي شد و در هفته آخر خردادماه هم متن منشور به همراه فهرست ۴۸ رسانه امضاکننده آن منتشر شد.
«شفقنا رسانه» مصاحبه‌ای با سعيد تقی‌پور، دبیر کارگروه تنظیم‌کننده این ميثاق نامه، انجام داده و تاريخچه آن و مشکلاتش را بررسي کرده است.

تقی‌پور در این مصاحبه درباره سابقه نگارش ميثاق نامه اخلاق حرفه‌ای گفت: «اولين رگه‌های نگارش ميثاق نامه در دولت‌های قبلي انجام شده بود. در دولت يازدهم معاونت مطبوعاتي شروع به انجام اين کار کرد و در کارگروه توسعه مطبوعات يکي از کارهای خوب، ارزيايي کيفي روزنامه‌هاست که يکي از شاخص‌های ارزيايي کيفيت روزنامه‌ها عمل به ميثاق حرفه‌ای رسانه است. در دوره قبل هرکسي متن ميثاق را خودش تنظيم می‌کرد و يکي از شاخص‌های ارزيايي کيفي اين بود که ميثاق اخلاق حرفه‌ای داشته باشند، به آن پاييند باشند و آن را منتشر کنند، در صفحات روزنامه خود چکيده آن را بگذارند و آدرس متن کامل را هم درج کنند تا بگويند که ما به اين ميثاق پاييند هستيم. در دوره اخير ما اين مسئله را به‌عنوان پيش‌فرض قرار داديم و گفتيم کسي که ميثاق عمومي ندارد يا اين ميثاق را امضا نکرده است، وارد رسيدگي به کيفيت روزنامه‌اش نمی‌شويم.»
تقی‌پور افزود: «بالاين حال هنوز مرحله ضمانت اجرا وجود نداشت. برهمن‌اساس در آن کارگروه بحث‌هایی شد. برای اينکه از طيف‌های مختلف فکري، سياسي و... استفاده شود مديران پايگاه‌های خبری و خبرگزاری‌ها خودشان با توصيه معاونت مطبوعاتي کارگروهي درست کردند و متن اوليه‌ای در اختيارشان قرار گرفت تا بر اين اساس پيش بروند».
به گفته تقی‌پور، اعضای این کارگروه حدود ۱۴، ۱۵ نفر بودند؛ «اعضای گروهي هم که در رسانه‌ها بودند حدود هفت الي هشت نفر به همت آقای مهاجری در خبرآنلاين جمع شدند به‌عنوان مثال آقای امير حبيبان، بيژن مقدم و... بودند».

او درباره سازوکار شورای داوری که در بخش اول این ميثاق نامه آمده و قرار است بر نحوه اجرای آن در رسانه‌ها نظارت کند، گفت: «در مقدمه متن پيشنهادي اين منشور آمده که به فاصله زماني بعد از جمع‌آوری امضاها با فراخوان بين امضاکنندگان شورای داوری انتخاب می‌شود. آخرين شورای داوری شامل یک نفر استاد ارتباطات، یک نفر پيش‌کسوت مطبوعاتي، یک نفر مسلط به حقوق مطبوعات و دو نفر هم از امضاکنندگان منشور و... هستند. عده‌ای بايد داوطلب شوند و امضاکنندگان منشور در بين آنها چند نفر را به‌عنوان اعضای شورای داوری انتخاب کنند. در اولين جلسه رونمايي ميثاق قرار بر اين شد که گروهی از کارگروه توسعه مطبوعات و امضاکنندگان – ترکيب آنها در ذهن نيست – آخرين اصلاحات منشور، شيوه انتخاب داوران را به‌عنوان يک نظام‌نامه اخياتی و... را تعيين کنند. درواقع مانند يک گروه مؤسس است. آيين‌نامه‌های آن را تنظيم می‌کنند و در اولين جلسه با حضور اعضای يوبسته به منشور، آيين‌نامه انتخابات را تصويب می‌کنند. طبيعيا قبل از آن هم بايد بر همان اساس مقدمات انتخابات را فراهم کرده باشند. برای اين کار، گروهي بايد انتخاب شود و آن گروه تعدادی از داوطلبان را انتخاب می‌کند تا در بين امضاکنندگان به رای گذاشته شوند و ترکيب داوران انتخاب شوند».

به گفته تقی‌پور هنوز ترکيب شورای داوری انتخاب نشده و آيين‌نامه شورا و انتخابات نيز تدوين نشده است. او درباره اين شپه که به نظر می‌رسد اين ميثاق نامه به نوعی خواسته تا جايگزين انجمنی صنفی برای روزنامه‌نگاران شود، گفت: «نه، اين طور نيست. اين ميثاق نامه اگرچه اشاراتي به حقوق خبرنگاران دارد ولی هدف‌گيري آن بيشتر درباره محتوا و مطالبی است که در روزنامه منتشر می‌شود و مسئوليت آن با مدير روزنامه است. بنابراین تداخل کمی با وظيفاف روزنامه‌نگاران دارد. به عقیده من بايد انجمن صنفی روزنامه‌نگاران با تشکلي باني اين کار شود و منشور اخلاقی بنويسد تا اين انجمن‌ها هم منشور داشته باشند. طبيعيا بخش عده‌ای از آن با اين منشور يکسان می‌شود، فقط در اين تفاوت دارد که آنها مؤلف هستند و مديران روزنامه‌ها در حکم ناظر».

يکي از مواردی که در اين ميثاق نامه عنوان شده، اين است که رسانه امضاکننده آن اخباری را که منبع آنها مشخص و معتبر نباشد منتشر نمی‌کند. تقی‌پور درباره علت جای‌گرفتن اين بند در ميثاق نامه گفت: «اين‌ي‌شود یک خبر بدون منبع ذکر شود يا گاهی پيش می‌آيد من منبعی ندارم و اين فرد نمی‌خواهد امش ذکر شود و مسئوليت آن بر عهده من بگيرد. وقتی رسانه اين را منتشر کند، به گونه‌ای جای منبع می‌نشيند و خود بايد مسئوليت آن را برعهده بگيرد. ولی وقتی هم رسانه و هم فرد گوينده خبر مسئوليت آن را برعهده نگيرد، نتيجه آن می‌شود که رسانه‌ها مباحث محرمانه را به «گفته می‌شود» يا «به نقل از یک منبع آگاه» منتشر می‌کنند. خب اين خبر محرمانه يا حتی گاهی دروغ است، بنابراین بايد اسم منبع را افشا کرد. افشای مرج قضائي گنايت نداشت. چون چون حکم مرجع قضائي نمی‌تواند افکار عمومی را که به انحراف رفته، تصحيح کند. بنابراین اين خبر از منبع آگاه یک ادعا محسوب می‌شود و لازم است که یک نفر مسئوليت اين ادعا را برعهده بگيرد تا مسائل مهم و شبهه‌برانگيز از صفحات روزنامه‌ها جمع شود. وقتی خبری بدون منبع داده می‌شود يا به هر دليلی محرمانه يا دروغ است، اين رسانه مجبور است هم جواب افکار عمومی را بدهد و هم جواب مرجع قضائي، چون بعدا مرجع قضائي از رسانه می‌پرسد چه کسی اين اطلاعات را به تو داده و مجبوري افشاکننده را معرفي کنی ولی نمی‌تواني افکار عمومي را تصحيح کنی. اين فرآيند اخلاقی برای اين است تا افکار عمومي از سلامت خبری که در يافت می‌کند، مطمئن باشند». او همچنين درباره الزام رسانه‌های امضاکننده ميثاق نامه اخلاق حرفه‌ای به استفاده نکردن از حروف اختصاری با ساير شيوه‌های مشابه برای نشانی‌دادن در زماني که به دليل ملاحظات اخلاقی با حقوق نام‌بردن از اشخاص محدوديت دارد، هم گفت: «قرار از تله‌های حقوقي شگرد شناخته‌شده‌ای است که همه آن را می‌دانند. وقتی فرد شناخته‌شده‌ای متهم به تخلف می‌شود، تا وقتی معلوم نشده که می‌توانيم اسم او را ببريم، اگر اسمش را در روزنامه به‌اختصار يا به هر کد ديگری بيان کنيم، باز هم معلوم می‌شود منظور چه کسی است و چون اسم کامل بيان نشده دادگاه روزنامه را تيرنه می‌کند. موارد زيادی وجود داشته که بی‌جهت برای یک نفر پرونده‌سازي کرده‌اند تا نتواند سمت خاصی را بگيرد، وقتی پرونده اين فرد به دادگاه می‌رود تيرنه می‌شود. اگر روزنامه زماني که هنوز جرم طرف ثابت نشده با بيان مشخصات و سابقه طرف، خبر را بنويسد حتی اگر تيرنه شود، در نزد افکار عمومي اثراتش باقي می‌ماند».

رسانه‌های جريان اصلی وشبکه‌های اجتماعی

بروز انقلاب ارتباطی باعث شده است تا تعامل با کتش و واکنش متقابل دوسوبه شکل بگيرد؛ به ديگر زبان ارتباطات تبديل به خيابانی دوطرفه شده است و دارای مزايایی مانند فشردهگی زمان و مکان، نزديک‌بودن و بی‌واسطگي، شخصی‌شدن و توزيع افقي و بدون سلسله‌مراتب حاکی از آن است که گيرنده یک مشارکت‌گر فعال است و مثل فرستنده در توزيع اطلاعات شرکت دارد. خبرگزاری جمهوری اسلامي، با انتشار يادداشتی، به تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر رسانه‌های جريان اصلی پرداخته و تاکيد کرده است اگر در سال‌های ۸۰-۱۹۷۰ميلادی، خبرگزاری‌های بزرگی همچون «آسوشيتدپرس»، «رويترز»، «يونايٲدپرس» و... جريان اصلی اطلاع‌رسانی خبری بودند، امروز اعتقاد بر اين است که شبکه‌های اجتماعی، جريان اصلی اطلاع‌رسانی و جريان‌سازهای خبری اين حوزه هستند. در سال‌های اخير و با پايان‌یافتن عصر انحصار رسانه‌های جريان اصلی، از بعد نرم‌افزاری و سخت‌افزاری اتفاق‌های جديدي در ارتباطات رخ داده است؛ اينکه اطلاعات با افراد



سبیرت، شرام و پترسون در دهه ۱۹۵۰ بود که نظام‌های مطبوعاتی در کشورهای جهان را در سال ۱۹۵۶ در کتاب «چهار تئوری مطبوعات» ارائه کردند. آنها گفتند که نظام‌های مطبوعاتی جهان به دو دسته اقتدارگرا و آزادی‌خواه تقسیم می‌شوند که از دل آنها به‌ترتیب نظام‌های شوروی (کمونیستی) و مسئولیت اجتماعی نیز به وجود آمده است. کتاب سبیرت و همکارانش که در دوران اوج جنگ سرد و با توجه به بلوک‌بندی همان زمان نوشته شده بود، به طرز شگفت‌انگیزی چند دهه مطالعات نظام‌های اجتماعی، جريان اصلی اطلاع‌رسانی و جريان‌سازها و جامعه را در سال ۱۹۸۳ به شش مدل تقسیم کرد که علاوه بر مدل‌های اقتدارگرا، آزادی‌خواه، کمونیستی و مسئولیت اجتماعی قبلی، دو مدل رسانه‌ای توسعه‌پرا را و دموکراتیک مشارکتی را به آنها افزود. در ترجمه فارسی نیز همین مدل‌ها به‌عنوان مدل‌های هنجاری آورده شده‌اند.

ترجمه این نسخه، پایه بسیاری از پژوهش‌هایی شد که در ایران درباره نظام‌های رسانه‌ای انجام شدند. می‌توان موارد متعددی از مقالات علمی ژورنال‌های فارسی‌زبان را در دهه‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰ شاهد آورد که مدل‌های هنجاری نظام‌های رسانه‌ای را مدل‌های شش‌گانه مک‌کوئیل سال ۱۹۸۳ تا ۱۹۹۴ در نظر گرفته‌اند، اما ویرایش‌های بعدی کتاب مک‌کوئیل، این مدل‌ها را کنار گذاشته و چهار مدل هنجاری دیگر را ارائه کرده است. جالب اینجاست که خود او در کتاب سال ۲۰۱۰ وقتی به مدل‌های چهارگانه سبیرت و همکاران اشاره می‌کند، با لفظ سوم‌شخص از خود یاد می‌کند و می‌گوید: «محققانی ازجمله مک‌کوئیل (۱۹۸۳) تلاش کرده بودند مدل‌های چهار تئوری مطبوعات را توسعه بدهند». مدل‌های هنجاری مک‌کوئیل درباره رسانه‌ها و جامعه در ویرایش‌های بعدی کتابش به چهار مدل لیبرال – کثرت‌گرا (مدل بازار)، مدل مسئولیت اجتماعی (مدل منافع عمومی)، مدل حرفه‌ای و مدل رسانه‌های جایگزین تبدیل شدند. دگرگونی در این مدل‌سازی نمونه‌ای است که نشان می‌دهد مک‌کوئیل از سال ۱۹۸۳ تا ۲۰۱۰ چقدر متحول شده بوده و قالب‌های رسانه‌ای جدید چه اندازه بر نظریه‌پردازی‌هایش تأثیر گذاشته بوده است. دو کتاب دیگر از مک‌کوئیل در ایران ترجمه شده است که یکی کتاب «مخاطب‌شناسی» است که با ترجمه همدی منظر‌قائم در انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها در سال ۱۳۸۰ چاپ شده و دیگری کتاب «مدل‌های ارتباط جمعی» یا ترجمه گودرز میلانی است که در سال ۱۳۸۸ در انتشارات دفتر پژوهش‌های رادیو منتشر شده است. این کتاب را مک‌کوئیل با سون ویندل در سال ۱۹۸۱ نوشته بود. استادان علوم ارتباطات در ایران توجه زیادی به مک‌کوئیل نشان داده‌اند و برخی از آنان، از جمله حسین افخمی شخصا با او در ارتباط بوده‌اند («غروب ستاره‌ای از آسمان ارتباطات»، یک روزنامه ایران، ۱۱ تیر ۹۶، ص ۲۴).

ارتباطات به کجا می‌رود؟

مک‌کوئیل توانست در سال‌های آخر، رسانه‌های نوین را درک کند. فناوری به‌سخت رشد کرده بود، تلفن همراه هوشمند انقلابی در حوزه ارتباطات به وجود آورده بود و مک‌کوئیل نیز باید با روندهای آینده رشته ارتباطات همراه می‌شد و آنها را ارزيايي می‌کرد. او در ویرایش ششم کتاب «نظریه ارتباط جمعی» یک فصل کامل از کتاب را به رسانه‌های نوین اختصاص داد. مک‌کوئیل در بخشی از مصاحبه کوتاهش با «سوشیال ساینس اسپیس»، به آینده ارتباطات هم اشاره‌ای داشت. او معتقد بود که در آینده نزدیک، محققان ارتباطات در دو حوزه پژوهش در رسانه‌های اروپای شرقی و رسانه‌های چینی به پیشرفت‌های علمی قابل‌توجهی دست پیدا خواهند کرد. همچنین پیش‌بینی کرد که رسانه‌های نوین به تأثیر خود بر ارتباطات ادامه خواهند داد و همان‌قدر که می‌توانند خطری برای آزادی در این حوزه باشند، می‌توانند بانی آزادی واقعی نیز در سراسر جهان به شمار بیایند.

او در زمینه رسانه‌های نوین، به اهمیت یکپارچگی رسانه‌ها هم اشاره کرد و گفت که جدایی و تکه‌تکه‌شدن رشته ارتباطات با مطالعه روی رسانه‌های مختلف، باعث ایجاد شکاف‌های گوناگونی در این رشته شده و بین نتایج مختلف مطالعات در این بخش‌های اجتماعی، متنوع و گوناگون بوده نشده است. اما پیش‌بینی کرد که این اتفاق رخ خواهد داد چراکه نمی‌توان رشته ارتباطات را به دو حوزه رسانه‌های همگانی و رسانه‌های نوین تقسیم کرد و باید از زاویه نگاهی واحد، روی ارتباطات کار کرد.

نکته دیگری که مک‌کوئیل در مصاحبه‌اش درباره آینده رشته ارتباطات مورد تأکید قرار داد، بحث مسئولیت‌پذیری رسانه‌ها و منافع عمومی بود. او معتقد بود که به دلیل تغییر رسانه‌ها و نیز تغییر ارزش‌ها، هنجارها و اصول آنها، بسیاری از هنجارها و اخلاق مرتبط با رسانه‌ها دچار دگرگونی شده است. از نظر او، در همه این تغییرات باید منافع عمومی در توسعه ارتباطات در نظر گرفته شود و این امر، نیازمند وحدت بین علم ارتباطات و حرفه‌های درون ارتباطات است. رسانه‌ها باید مراقب پروپاگاندا و مقاصد سیاسی و تجاری تجربه‌شده دوران رسانه‌های قدیمی در شکل‌های جدید رسانه‌ای، مثلا در قالب شبکه‌های اجتماعی، باشند. از نظر او، دانشمندان ارتباطات می‌توانند به روشن‌ترکردن این نیات و اغراض از فعالیت‌های حرفه‌ای رسانه‌ها و ارتباطات کمک کنند. مک‌کوئیل همچنین نگران فرصت‌های ارتباطی مردم و کاهش توانایی دسترسی به ارتباطات خوب هم بود و باور داشت که باید برای نابرابری در ظرفیت‌های ارتباطی در جامعه چاره‌جویی شود. او به‌عنوان یک پژوهشگر این نگرانی‌ها را در آثار خود منعکس کرد و طی بقیه مسیر را برای بازماندگان و آیندگان باقی گذاشت.

و محقق ارتباطات باید مسئله‌های فردی و اجتماعی ناشی از تأثیرات رسانه‌های همگانی را حل کند؛ اما ارتباطات هم‌زمان با عمر کاری مک‌کوئیل رشد کرد و به قول او، در دهه ۲۰۱۰ به «یک خودمختاری فکری مشخص رسیده است که می‌تواند دیدگاه خود را درباره اینکه مسائلش چه چیزهایی هستند داشته باشد». مک‌کوئیل معتقد بود که جامعه‌شناسی به‌عنوان یکی از شاخه‌های علوم اجتماعی در دهه ۱۹۶۰ به بار نشست، مطالعات ارتباطی را غنی‌تر کرد و دیدگاه انتقادی جدیدی را نیز وارد تحقیقات در حوزه ارتباطات کرد.

او که هم دوران اوج مطالعات فرهنگی، هم دوران ظهور رسانه‌های نوین را درک کرده، در مصاحبه‌اش به این نکته اشاره می‌کند که توسعه جامعه‌شناسی همیشه دارای آثاری سودمند روی علوم ارتباطات نبوده یا دست‌کم دارای پیامدهای متنوعی برای آن بوده است. به عقیده مک‌کوئیل، دیدگاه انتقادی به رسانه‌ها در طولانی‌مدت با تعصب بسیار زیاد سیاسی شد و خیلی متمرکز نبود: «دیدگاه مطالعات فرهنگی ابتدا حوزه ارتباطات را غنی کرد، اما سپس، تا حدی با کاهش جنبه‌هایی از انسجام حوزه ارتباطات، آن را تضعیف کرد. دل‌مشغولی‌های پس از ظهور فناوری هم ضروری به نظر می‌رسد، اما پیامدهای آن متنوع بوده است: تأکید بیش از اندازه بر خود فناوری و خود رسانه، باعث دورشدن توجهات از عوامل نهفته‌ای در فرهنگ و جامعه می‌شود که مشخص می‌کنند مردم از چه نوع ارتباطاتی دوری یا چطور از آن استفاده کنند».

هنر طبقه‌بندی

مهم‌ترین کار مک‌کوئیل در رشته ارتباطات، طبقه‌بندی بود. طبقه‌بندی او از موضوعات مختلف ارتباطات کار کمی نبود و توانست به مباحث ارتباطی تکه‌تکه و متداخلی که در دهه ۸۰ میلادی در این حوزه علمی مطرح شده بود، نظم و وضوح بالایی ببخشد. او در سال ۱۹۸۳ مشهورترین کتابش را تحت عنوان «نظریه ارتباط جمعی: یک مقدمه» نوشت و در آن تلاش کرد نظریات مربوط به ارتباطات جمعی را به طور ساده و دسته‌بندی‌شده ارائه کند. در همین دوران، رسانه‌ها و دنیای ارتباطات با شتاب زیادی در حال دگرگونی بودند و مک‌کوئیل به این فکر افتاد که کتابش را بازنویسی کند. ویرایش دوم کتاب که از اساس دگرگون شده بود در سال ۱۹۸۷ منتشر شد و هم‌زمان با تحول رسانه‌ها و ارتباطات، مک‌کوئیل سعی کرد در ویرایش‌های بعدی نیز تحولات را در نظر بگیرد. از سال ۲۰۰۰ که چهارمین ویرایش کتاب منتشر شد، عنوان این کتاب جامع و البته مقدماتی برای تحصیل ارتباطات به «نظریه ارتباط جمعی مک‌کوئیل» تغییر کرد و آخرین ویرایش آن نیز که ششمین ویرایش بود، در سال ۲۰۱۰ منتشر شد.

مهم‌ترین کار مک‌کوئیل در رشته ارتباطات، طبقه‌بندی بود. طبقه‌بندی او از موضوعات مختلف ارتباطات کار کمی نبود و توانست به مباحث ارتباطی تکه‌تکه و متداخلی که در دهه ۸۰میلادی در این حوزه علمی مطرح شده بود، نظم و وضوح بالایی ببخشد. می‌توان گفت در ربع قرن گذشته، کتاب نظریه ارتباط جمعی او، از ویرایش دوم تا آخرین ویرایش، در دنیای دانشگاهی به یکی از مهم‌ترین کتاب‌های پایه و پیش‌نیاز برای علوم ارتباطات تبدیل شده است

سال ۲۰۱۰ منتشر شد. همه ویرایش‌های این کتاب را انتشارات بسیار معتبر «سیج» روانه بازار کتاب کرده است. می‌توان گفت در ربع قرن گذشته، این کتاب از ویرایش دوم تا آخرین ویرایش، در دنیای دانشگاهی به یکی از مهم‌ترین کتاب‌های پایه و پیش‌نیاز برای علوم ارتباطات تبدیل شده است. کتاب مک‌کوئیل نظریه‌های ارتباطات را به طور تاریخی طرح نکرده، اما به‌سادگی آنها را طبقه‌بندی و تلاش کرده با فصل‌بندی کتاب تحت عناوینی موضوعی همچون تئوری‌های رسانه‌ای، ساختارهای رسانه‌ای، سازمان‌های رسانه‌ای، محتوا، مخاطبان و تأثیرات رسانه‌ها یا ارتباط رسانه‌ها با سیاست، اقتصاد، جامعه و فناوری، مفاهیم مختلف رشته ارتباطات را تشریح کند.

مک‌کوئیل آخرین ویرایش کتاب تئوری ارتباط جمعی خود را به مخاطبان رسانه‌های آینده، به‌ویژه به نوه‌هایش که نام آنها را یک‌به‌یک در ابتدای کتاب آورده، تقدیم کرده است. دل‌مشغولی او به مخاطبان رسانه‌ها در کتاب مهم دیگر او به نام «تحلیل مخاطب» هم به چشم می‌خورد. این کتاب برخلاف کتاب «نظریه ارتباط جمعی» با ویرایش جدیدی روبه‌رو نشد.

مک‌کوئیل در ایران

مک‌کوئیل در فضای دانشگاهی ارتباطات ایران بسیار شناخته‌شده است. تا‌به‌حال، سه کتاب به نام او در داخل منتشر شده است. مهم‌ترین کتاب مک‌کوئیل در سال ۱۳۸۲ با نام «آر‌مدی بر نظریه ارتباطات جمعی» به ترجمه پرویز اجلالی در مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها منتشر شد. از بد روزگار، این ترجمه از دومین ویرایش کتاب مک‌کوئیل در سال ۱۹۸۷ و بازچاپ‌شده در ۱۹۸۸ ترجمه شده است؛ این کتاب در ویرایش اول تغییرات بنیادین کرده و در ویرایش‌های بعدی نیز همین دگرگونی‌ها ادامه یافته بود. یکی از مهم‌ترین تفاوت‌هایی که سه ویرایش اول این کتاب نسبت به ویرایش‌های بعدی دارد، نظریه‌های هنجاری ارتباط جمعی است. در سه ویرایش اول کتاب مک‌کوئیل، یکی از کارهای مهم او شرح مدل‌های مختلف ارتباط جمعی در جهان تحت عنوان نظریه‌های هنجاری رسانه‌ها و جامعه بود. او توضیح می‌داد که در دنیای معاصر و در کشورهای مختلف جهان، چه مدل‌هایی از ارتباط جمعی وجود دارد. زیربنای این دسته‌بندی او، کار کلاسیک سه محقق آمریکایی به نام‌های

«امروز صبح، ما خبری دریافت کردیم که می‌گفت دنیس مک‌کوئیل درگذشته است». سه روز پیش از آنکه دانشکده تحقیقات ارتباطات دانشگاه آمستردام، بیانیه خود را با این جمله آغاز کند، دنیس مک‌کوئیل ۸۲ساله انگلیسی، محقق مشهور علوم ارتباطات، در ۲۵ ژوئن مصادف با چهارم تیر درگذشته بود.

دانشگاه آمستردام خانه مک‌کوئیل به حساب می‌آمد و بیانیه این دانشگاه نیز در رای‌ای استاد ممتاز تازه‌درگذشته حاکی از احترام دانشگاهیان به او بود: «دنیس یک انسان فوق‌العاده، باصیرت و فروتن بود. او دانشی جامع از حوزه کاری خود داشت و یک تحلیلگر تیزبین بود. او در تدریس دیدی باز داشت و افراد را به تفکر خلاق و نظام‌مند ترغیب می‌کرد. اقتدار و الهام‌بخشی علمی دنیس، زمینه را برای رشد و توفیق علم ارتباطات و دانشکده تحقیقات ارتباطات دانشگاه آمستردام فراهم کرده بود. ما یک محقق طراز اول، یک معلم الهام‌بخش و یک همکار عزیز را از دست دادیم».

با درگذشت مک‌کوئیل، انجمن بین‌المللی تحقیق در ارتباطات و رسانه‌ها نیز بیانیه‌ای صادر و از این اتفاق ایزار تأسف کرد. جنت واسکو، رئیس این انجمن، در بیانیه خود به اعضای انجمن اطلاع داد که بنا به اعلام خانواده مک‌کوئیل، او در ۲۵ ژوئن در آرامش فوت کرده و تا روزهای آخر، ذهنش با دقت کار می‌کرده و پیش‌نویس‌هایش در پوشه‌هایی جداگانه و مرتب جای گرفته است.

رئیس انجمن بین‌المللی تحقیق در ارتباطات و رسانه‌ها در این بیانیه مک‌کوئیل را نویسنده آثار پرشماری دانسته بود که «درها را برای بسیاری از ما باز کرد و تدوین‌کننده سی بی‌همتای دستاوردها و دانش رو به فرونی پژوهش رسانه و ارتباطات بود». واسکو در انتها نیز گفته بود که مک‌کوئیل دوست و مراد بسیاری از اعضای انجمن بین‌المللی تحقیقات رسانه و ارتباطات بود و در مدت عمرش به زمینه تحقیقاتی رسانه و ارتباطات کمک شایانی کرد و هیچ‌گاه فراموش نخواهد شد.

با درگذشت مک‌کوئیل، دانشکده رسانه‌ها و ارتباطات دانشگاه لیزد هم بیانیه‌ای صادر کرد و تأکید کرد که «همکاری تئوریک پرفسور مک‌کوئیل به طور بنیادین به توسعه تحقیقات در رسانه‌ها و ارتباطات شکل داد و حوزه‌های مخاطب‌شناسی، سیاست‌گذاری رسانه‌ای، تأثیرات جامعه‌شناختی رسانه‌ها و ارتباطات سیاسی را پوشش می‌داد. او حامی قدرتمند حوزه‌ای تحقیقاتی بود که انضباط فکری، چندرشته‌ای بودن و مرتبط‌بودن با دوران معاصر، از خصیصه‌های آن به شمار می‌رفت. مک‌کوئیل در کارهای خود همه این مسائل را در نظر داشت».

ورود کمابیش اتفاقی به ارتباطات

دنیس مک‌کوئیل، متولد سال ۱۹۳۵ در لندن، استاد ممتاز مرکز تحقیقات ارتباطات در دانشگاه آمستردام و استاد مهمان دانشکده علوم سیاسی در دانشگاه ساوت‌مپتون بود. او در سال ۱۹۵۸ در دانشگاه آکسفورد در رشته تاریخ مدرن مدرک کارشناسی را گرفت و یک سال بعدتر، از همان دانشگاه مدرک کارشناسی ارشد مدیریت عمومی و اجتماعی را کسب کرد. مک‌کوئیل به‌عنوان محقق در دانشگاه لیزد مشغول به کار و با جی بلاملر در مرکز تحقیقات تلویزیون همکار شد. سرانجام در سال ۱۹۶۷ مدرک دکترای مطالعات اجتماعی را از دانشگاه لیزد گرفت و عنوان تزش هم «عوامل اثرگذار بر منافع عمومی در نمایش‌های تلویزیونی» بود.

مک‌کوئیل در سال ۱۹۷۷ در دانشگاه لیزد به دانشکده تحقیقات ارتباطات دانشگاه آمستردام رفت و آنجا استخدام شد. او تا پایان عمر کاری خود در این دانشگاه ماند و حتی در سال ۱۹۹۷ که از دانشگاه آمستردام به طور زود هنگام بازنشسته شد، همان جا به‌عنوان استاد ممتاز کار خود را ادامه داد. دانشگاه آمستردام از سال ۲۰۰۶، جایزه‌ای را به نام «جایزه مک‌کوئیل» ابداع کرد که به محققانی اعطا می‌شد که هر سال بهترین مقاله را برای پیشرفت تئوری ارتباطات می‌نوشتند. مک‌کوئیل تا سال گذشته جزء هیئت داوران این جایزه بود.

او در مصاحبه‌ای که در سال ۲۰۱۲ با «سوشیال ساینس اسپیس» انجام داد، بخشی از عمر کاری خود را تشریح کرد. مک‌کوئیل گفت که ابتدا تاریخ خوانده بوده، اما چون این رشته به نظرش بی‌ربط و بدون ایده‌های تازه می‌آمده، به سراغ جامعه‌شناسی رفته است. جامعه‌شناسی را ادامه داده و زمانی که تحت تأثیر آثار ریچارد هوگارت و ریموند ویلیامز و اندیشه‌های در حال ظهور جنبش چپ نو قرار گرفته بوده، کمابیش به طور اتفاقی به سمت ارتباطات کشیده شده است. مک‌کوئیل در مصاحبه‌اش این نحوه ورود اتفاقی به حوزه ارتباطات را شرح داده و گفته که فرصت تبدیل‌شدن او به یک محقق ارتباطات به طور مستقیم به ورود تلویزیون‌های تجاری به انگلستان ربط داشته است. در دهه ۶۰ میلادی، تلویزیون گرانادا یک بورسیه در دانشگاه لیزد بنا کرد و دلیل آن، گذشته از نوعی فعالیت روابط‌عمومی و تبلیغاتی برای این تلویزیون، این بود که مالک تلویزیون جامعه‌شناس بود و مأموریتی برای خود در زمینه روشن‌شدن آثار تلویزیون بر مردم احساس می‌کرد. درهرحال، مک‌کوئیل با این بورسیه روی تأثیرات سیاسی و فرهنگی تلویزیون تمرکز می‌کند. در نهایت نیز در رشته جامعه‌شناسی در دانشگاه لیزد شروع به تدریس می‌کند. مک‌کوئیل تأکید می‌کند طی‌کردن این مسیر را مرهون مسئول پروژه تحقیقات تلویزیون در دانشگاه لیزد و کارمند بی‌بی‌سی، ژوزف ترانمان، بوده و تأثیر زیادی نیز از او پذیرفته بوده است.

یک دهه پیش از آنکه مک‌کوئیل تحقیقات خود را شروع کند؛ یعنی در دهه ۱۹۵۰ میلادی، حوزه ارتباطات دارای وسعت کمی بود و محققان به رسانه‌ها عمدتا به‌عنوان پدیده‌هایی نگاه می‌کردند که مخرب هستند